



یک بازداشت، یک پرسش

یادداشتی از احمدزیدآبادی درباره زندانی شدن دوباره ابوالفضل قدیانی



اسطوره یا تاریخ؟

گفتارهایی از فریدون مجلسی و علی بیگدلی در نقد و بررسی یک کتاب تازه منتشر شده درباره محمد مصدق



حزب الله لبنان و حزب الله خودمان

یادداشتی از عبدالجواد موسوی درباره آنچه این روزها در صحنه سیاست می‌گذرد



کاریزماتیک و کارآمد

بازخوانی کارنامه سید حسن نصرالله و معرفی جدی‌ترین گزینه جانشینی او

نگاه هم‌میهن

ترور هم‌زمان با تهدید

درباره حملات اخیر در شرق کشور



محسن صالحی خواه گزارشگر هم‌میهن

وقایع تروریستی در سیستان و بلوچستان، دوران سیاه سیطره تروریسم بر این استان را یادآوری می‌کند. دورانی که عبدالملک ریگی در سیستان یکه‌تازی می‌کرد و فیلم جنایت‌هایش روی آنتن شبکه‌های تلویزیونی می‌رفت. جندالله بعد از دستگیری مالک در اسفند ۱۳۸۸ دچار فروپاشی شد و جیش العدل که این روزها فعال است، از دل باقی‌مانده‌های آن به وجود آمد. برخلاف گروه ریگی که تبلیغات وسیعی روی «امیر» می‌کردند، جیش العدل رویه متفاوتی پیش گرفت و در تبلیغات خود قائم به شخص نشد تا شاید از سرکرده و سرکردگان خود بیشتر حفاظت کند. فقط دیروز سه حمله تروریستی در بنت نیکشهر، خاش و محور جکیگور - راسک در سیستان و بلوچستان صورت گرفت که چند شهید و زخمی نظامی و غیرنظامی داشت. روزها را که عقب برویم، حوادث دیگری مثل تیراندازی ناکام تروریست‌ها به یک پاسگاه انتظامی در ایرانشهر، ترور رئیس اداره آگاهی خاش و... هم در اخبار خودنمایی می‌کند. چند روز قبل یک تروریست حرفه‌ای در کردستان - ریبوار کریمیان از کومله - در کمین نیروهای امنیتی کشته شد. از کنار افزایش اخبار مربوط به حوزه تروریسم نباید به سادگی گذشت. قبل از اینکه نکته اصلی این یادداشت را مطرح کنیم، ذکر این نکته لازم است که از نظر دولت‌ها، مرز باریکی میان نهضت‌های آزادی‌بخش و سازمان‌های تروریستی وجود دارد. این مرز باریکی خود را در شناسایی یا عدم شناسایی آنان به عنوان گروه تروریستی نشان می‌دهد. اما این مسئله، نافی استفاده آنان از این گروه‌ها علیه حریفان‌شان نیست اگر که تاکنون منافع‌شان باشند. مثال زنده این ادعا، سازمان مجاهدین خلق ایران است؛ سازمانی که تا سال ۲۰۱۲ در لیست گروه‌های تروریستی ایالات متحده آمریکا بود اما ۱۰ سال قبل از آن، نماینده این سازمان در کنفرانسی رسمی در هتل ویلارد واشنگتن دی.سی. اطلاعات برنامه هسته‌ای ایران را افشا کرد؛ اطلاعاتی که دستیابی به آن در حد و اندازه این گروه نبوده و نیست که این خود مهر اثباتی بر استفاده سرویس‌های اطلاعاتی از گروه‌های تروریستی است. بنابراین، با تأکید بر این نکته باید به این مسئله اشاره کرد که گروه‌های مبارز چه نهضت آزادی‌بخش باشند و چه گروه تروریستی نامیده شوند، با دولت‌ها و به خصوص بخش‌های امنیتی آنان مرتبط هستند. نمونه آن هم ارتباط حزب الله، حماس، جهاد اسلامی و... با ایران، کردهای عراق با ایران دوران پهلوی و جمهوری اسلامی، شورشیان کنترا در نیکاراگوئه، جندالله، مجاهدین خلق با آمریکا، گروه‌های سلفی فعال در جنگ سوریه با آمریکا و اسرائیل و گروه‌های جهادی در جنگ افغانستان و شوروی با آمریکا، عربستان و ایران است. اگر بخواهیم این مثال‌ها را ادامه بدهیم، مثنوی هفتادمن خواهد شد. ایران در حال حاضر، وضعیت خاصی در منطقه دارد. در حالی‌که خاورمیانه بر لبه یک جنگ گسترده ایستاده، تحرکات تروریستی بار دیگر رو به افزایش است. ←

حمله موشکی ایران به اسرائیل

سپاه با مصوبه شورای عالی امنیت ملی ده‌ها موشک بالستیک شلیک کرد

رخداد نظامی ۲

پاسخ به نتانیاهو

گزارش سیاست ۲۰۳

گفت وگو با استادان دانشگاه درباره ادعاهایی که نخست وزیر اسرائیل برای آینده ایران مطرح کرد

چهار سناریوی جنگ اسرائیل و حزب الله

تحلیلی از آرمین منتظری دبیر گروه بین‌الملل

تحلیل بین‌الملل ۹۵۶

گزینه‌های ایران برای احیای بازدارندگی

یادداشتی از الدار ممدوف تحلیلگر مسائل خاورمیانه

گزارش اقتصاد ۱۰-۱۱

سقوط صرفه تولید

بررسی ۲۳ گروه صنعتی از افت شدید سودآوری ۱۶ گروه حکایت دارد

سرمقاله

یار شاطر یا بار خاطر؟

هر تحول مثبتی که بخواهد در ایران رخ دهد، آن تحول حداقل باید در یک جا اثر خود را به خوبی و روشن نشان دهد و آنجا رشد اقتصادی است. رشد اقتصادی درون‌زا و پایدار و مداوم و متوازن که به افزایش رفاه مردم منجر شود و از عدالت نیز دور نشود. اگر رشد اقتصادی نداشته باشیم، یا برون‌زا باشد یا متوازن نباشد یا ناپایدار باشد یا رفاه جامعه را بالا نبرد یا به کاهش ملموس نابرابری نیانجامد؛ آن رشد دستاوردی قابل قبول محسوب نمی‌شود. گزارش امروز هم‌میهن درباره فراز و فرودهای صرفه اقتصادی گروه‌های تولیدی و بررسی ۲۳ گروه صنعتی است که از افت شدید سودآوری ۱۶ گروه آنها حکایت دارد و به ابعاد وضعیت توسعه در ایران و پاشنه آشیل آن پرداخته، یعنی دخالت بی‌حدوحدوم دولت در امور تولید و نیز نگاه نادرست آن به بخش خصوصی و تولیدکننده را یکی از مهمترین ریشه‌های چنین وضعی دانسته است. افزایش سود و زیان بخش‌های گوناگون اقتصادی امری طبیعی است. حتی ممکن است یک گروه تولیدی به علل گوناگونی ورشکسته و از بازار خارج شود؛ ولی این فراز و فرود باید ناشی از طبیعت بازار و وجود رقابت و عوامل سیاسی و بین‌المللی باشد و نه بر اثر دخالت‌ها و سیاست‌گذاری‌های غیرمنطقی و بی‌حدوحدوم دولت در امور اقتصادی. گزارش ما نشان می‌دهد که این تغییرات بسیار زیان‌بار است و دود آن نیز به چشم مردم و اقتصاد می‌رود. به تعبیر دقیق‌تر، ما در برخی از کالاها که دولت توان دخالت دارد و فروشنده یا خریدار اصلی مواد یا کالای آن، دولت است یا حق دخالت در قیمت‌ها را در آن گروه اقتصادی برای خود محفوظ می‌دارد وضعیت ناپایدار و بدی داریم. بخش مهمی از رانت‌های کشور محصول همین دخالت‌هاست. زیان مردم در بورس نیز تابعی از همین دخالت‌های دولتی در اقتصاد است. وقتی قیمت خوراک کارخانجات و یا قیمت انرژی یا خریدار محصول اصلی کارخانه دولت باشد؛ برای منافع خودش دخالت‌های زیان‌بار می‌کند و این در نهایت به زیان دولت هم هست. دولت چیزی جز مردم نیست. دولت رقیب تولیدکننده نیست. دولت باید یار شاطر و نیز یار بخش خصوصی و تولیدکنندگان باشد تا جریان تولید را روان و تحریک کند. دولتی که دنبال چلانند تولیدکننده باشد و آن را به عنوان منبع کسب درآمد برای تأمین بودجه خود ببیند، به جای یار شاطر، در نقش بار خاطر ظاهر می‌شود و اقتصاد را به چنین روزی می‌اندازد. بخش خصوصی دنبال افزایش سود است. اگر این قاعده برقرار نباشد، اقتصاد شکل نخواهد گرفت و بازاری را خواهد ساخت. ولی آنها خوب می‌دانند که اگر شرایط رقابتی حاکم باشد و ضوابط شفاف بر کارهای آنان اعمال شود، دریافتی آنان در حداقل خواهد بود و این به سود همه، اعم از کارفرما و مردم دولت است. بنابراین، بهترین کار عدم دخالت دولت و بسنده کردن به سیاست‌گذاری‌های علمی کلان و نظارت مؤثر و بی‌طرفانه است. ←